

جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران

فرزانه ترابی^۱، مریم نجارباشی^۲، حدیث بندریان نژاد^۳، امیرمهدی یوسف مصری^۴

^۱ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس، خراسان جنوبی، ایران

^۲ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

^۳ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد بهبهان، خوزستان، ایران

^۴ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه پیام نور مشهد، خراسان رضوی، ایران

چکیده

آینده‌پژوهی، رویکردی نظام‌مند برای بررسی آینده‌های محتمل، ممکن، مطلوب و نامطلوب است که با هدف آماده‌سازی برای تغییر و شکل‌دهی آگاهانه به آینده، در دهه‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است. در حوزه برنامه‌ریزی درسی، ادغام آینده‌پژوهی برای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با دنیایی پر از تغییرات شتابان، نامشخص و پیچیده (جهان VUCA) حیاتی است. این ادغام فراتر از پیش‌بینی صرف است و بر توسعه مهارت‌هایی مانند تفکر سیستمی، تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسئله، تاب‌آوری، سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای و سواد دیجیتال که لازمه موفقیت در آینده هستند، تأکید دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران است و روش این مقاله توصیفی مروری از نوع روایتی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران نقش بسیار مهمی دارد و با چالش‌های متعددی همراه است.

واژه‌های کلیدی: ایران، آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی درسی، حل مسئله.

مقدمه

در عصر حاضر که انسان با پدیده‌های نوظهور و چالش‌های بسیاری مانند انفجار جمعیت، جهانی‌شدن و تعامل‌های پیشرفته مواجه شدند، دانش بیش از هر زمان دیگری امری حیاتی محسوب می‌شود و بر همین اساس جوامع به دنبال ارتقای آموزش عالی خود می‌باشند (Meier, 2020). محیط پویا و پیچیده در دنیای امروز شرایط متغیر و متحولی را برای سازمان‌های مختلف به‌ویژه سازمان‌های آموزشی پدید آورده است؛ به‌طوری‌که سازمان‌ها برای حفظ، بقا و ایجاد مزیت رقابتی ناچار هستند که پیوسته قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و شایستگی‌های خود را توسعه دهند (Cottafava, 2022).

آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش‌هایی هم‌چون نبودن روش تدریس‌ها، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی و دیوار کشی بین بعد پرورشی و بعد آموزشی و ضعف در فراهم کردن مدیریت آموزشی کارآمد و متخصص و ناتوانی در بکارگیری فناوریهای اطلاعات و روشهای جدید و غیره مواجه می‌باشد؛ بنابراین آینده‌نگری و آینده‌شناسی میتواند در برنامه‌ریزیهای مختلف آموزش و پرورش به‌ویژه برنامه درسی برای مقابله با تهدیدات و نگرانیهای تربیتی آینده پیشگیرانه عمل نماید مشروط بر آن که مسئولان با هوشمندی علمی و عاقلانه و در نظر گرفتن تمامی جوانب و نیازها دست بکار شوند و در رفع مسایل و پژوهشگرانی حقایق مشکلات گام موثر بردارند تا در آینده نه چندان دور بر مشکلات فائق شوند (خلیفه و خلیفه، ۱۳۹۲). نظام آموزشی ما، از تصور ما نسبت به آینده مایه میگیرد. از این رو، اگر تصور ما از آینده جامعه با واقعیت موجود آن منطبق نباشد نظام آموزشی آن جامعه سیر نزولی در پیش خواهد گرفت. نظام‌های آموزشی بالنده از سرعت تغییرات و تحولاتی که جهان را دگرگون میکند به خوبی آگاهند. باید گفت آموزش و پرورش مشخص مسیر انسانها به سوی توسعه و تعالی است و با توجه به این تغییرات و تحولات و بهره گرفتن منطقی از امکانات و انتخاب نزدیک ترین راه میتوان این مسیر را به درستی تبیین نمود. توجه به آینده‌پژوهی و نگاه آینده‌نگرانه در سازمان‌های آموزشی آهنگ تحول و ماندگاری آنهاست. آینده بر ما می‌تازد پس باید برای رویارویی با آن آماده بود و در زمانه پرآشوب و سرشار از تغییر و تحول تنها با مسلح شدن به روش‌شناسی آینده است که آموزش و پرورش می‌تواند با بازبینی مقوله یادگیری خونی تازه در رگ‌های خود جاری کند (تافلر، ۱۳۷۷). امروزه مأموریت و تلاش عمده برنامه‌ریزی در کشورهای توسعه یافته علاوه بر توجه جدی به چالشهای کنونی و ارائه رهیافت‌هایی مقطعی تفکر در خصوص چالشهای آینده و نحوه مواجهه و قدرت یابی در آن عرصه هاست. برنامه‌ریزی هم‌اکنون با ارتقاء نقش خود به دنبال تسخیر آینده با اندیشه‌های ایفای نقش جدی و سهم‌خواهی در آن است (بنی‌سی، ۱۳۸۷). آینده‌پژوهی در برنامه درسی تعلیم و تربیت میتوانند در آمادگی و مجهز شدن دست‌اندرکاران به‌ویژه مدیران معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان برای آینده کسب‌نمای کلی از آینده‌های در حال ظهور، درک زودهنگام خطرات و هشدارها، کسب موفقیت و برتری در رقابتهای جهانی و مهم‌تر از همه عوامل ذکر شده سازگاری با تغییرات کسب موقعیت در قلب روندها و مسیر تغییرات و کسب ایده درباره برنامه‌ریزی انواع سرمایه‌گذاریها اطلاعاتی نیروی انسانی و تکنولوژی آموزشی و بودجه آموزشی برای به دست آوردن منافع موجود و رسیدن به قابلیت‌های شایسته افراد یک جامعه در جهت یک زندگی سالم، یاری‌کننده باشد. در ایران، استفاده از آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی می‌تواند به تدوین برنامه‌هایی منجر شود که دانش‌آموزان را برای مشاغل نوظهور، تغییرات فناوری و پیچیدگی‌های اجتماعی آماده کند. برای مثال، با توجه به گزارش‌های جهانی، مانند گزارش مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) درباره آینده مشاغل، پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، بسیاری از مشاغل کنونی منسوخ شده و مهارت‌های جدیدی موردنیاز خواهند بود. آینده‌پژوهی می‌تواند با تحلیل این روندها، به سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا برنامه‌های درسی را به‌گونه‌ای بازطراحی کنند که دانش‌آموزان را برای این تغییرات آماده سازد (دمیری، ۱۳۹۸). علاوه بر این، آینده‌پژوهی با تأکید بر سناریوسازی، امکان بررسی آینده‌های مختلف (مثلاً سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه یا محتمل) را فراهم می‌کند و به برنامه‌ریزان اجازه می‌دهد تا برنامه‌های درسی را با در نظر گرفتن عدم قطعیت‌های آینده طراحی کنند (تقوایی و نجفی، ۱۳۹۹). با وجود مزایای آینده‌پژوهی، چالش‌هایی نیز در مسیر کاربرد آن در برنامه‌ریزی درسی ایران وجود دارد. این چالش‌ها شامل کمبود منابع مالی و انسانی متخصص در حوزه آینده‌پژوهی، ضعف در زیرساخت‌های پژوهشی، مقاومت‌های فرهنگی و سازمانی در برابر تغییر و

ناکافی بودن همکاری‌های بین‌رشته‌ای است. علاوه بر این، فقدان هماهنگی میان سیاست‌گذاران آموزشی، پژوهشگران و معلمان در فرآیند طراحی برنامه‌های درسی، مانع از نهادینه‌سازی این رویکرد شده است. برای غلبه بر این موانع، لازم است که آینده‌پژوهی به‌عنوان یک رویکرد نظام‌مند در سیاست‌گذاری آموزشی ایران ادغام شود و برنامه‌های آموزشی برای تربیت متخصصان آینده‌پژوه در حوزه آموزش و پرورش توسعه یابد. در نهایت، آینده‌پژوهی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استراتژیک، نظام آموزشی ایران را به سمت انعطاف‌پذیری، نوآوری و پاسخ‌گویی به نیازهای آینده هدایت کند. این رویکرد با ایجاد پیوند میان آموزش و نیازهای جامعه آینده، به تربیت نسلی کمک می‌کند که نه تنها با چالش‌های پیچیده جهان معاصر مقابله کند، بلکه به‌عنوان عاملی فعال در ساخت آینده‌ای بهتر نقش‌آفرینی نماید. برای تحقق این هدف، لازم است که سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان درسی و پژوهشگران آموزشی با بهره‌گیری از روش‌های آینده‌پژوهی، به بازطراحی نظام‌مند برنامه‌های درسی پرداخته و آن‌ها را با چشم‌اندازهای بلندمدت هماهنگ سازند. مطالعات آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو کمک کرده و برنامه‌های درسی را از حالت ایستا و مبتنی بر گذشته به سمت برنامه‌هایی پویا و آینده‌محور سوق می‌دهد. این مهم از طریق بازنگری مداوم برنامه‌های درسی، توجه به مهارت‌های آینده‌محور و تقویت تفکر استراتژیک در نظام آموزشی محقق می‌شود. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود منابع، ضعف در زیرساخت‌های پژوهشی و مقاومت در برابر تغییر، موانعی در مسیر نهادینه‌سازی آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران به شمار می‌روند.

مبانی نظری

برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی (Curriculum Planning) یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین ارکان هر نظام آموزشی است. به طور ساده، برنامه‌ریزی درسی به فرایند طراحی، سازماندهی، اجرا و ارزشیابی تجربیات یادگیری دانش‌آموزان در یک محیط آموزشی مشخص گفته می‌شود. هدف نهایی آن، دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی تعیین شده است.

تعاریف کلیدی برنامه‌ریزی درسی:

فرایند تصمیم‌گیری: مجموعه‌ای از تصمیمات آگاهانه در مورد اینکه "چه چیزی"، "چرا"، "چگونه" و "برای چه کسی" باید آموزش داده شود.

طراحی تجربیات یادگیری: این شامل انتخاب محتوا، روش‌های تدریس، فعالیت‌های یادگیری و نحوه ارزشیابی است که همگی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که دانش‌آموزان بتوانند دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مطلوب را کسب کنند (رضایی، ۱۴۰۰).
سند راهنما: برنامه‌ریزی درسی می‌تواند به شکل یک سند رسمی باشد که اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس و ارزشیابی را برای یک دوره آموزشی (مانند یک مقطع تحصیلی یا یک درس خاص) مشخص می‌کند.

اجزای اصلی برنامه‌ریزی درسی:

تقریباً هر مدل برنامه‌ریزی درسی، حول چهار عنصر اصلی می‌چرخد:

تعیین اهداف (Aims and Objectives):

هدف: ابتدا باید مشخص شود که چه نتایجی از یادگیری انتظار می‌رود؟ دانش‌آموزان پس از اتمام یک دوره درسی یا مقطع تحصیلی، چه چیزی باید بدانند، بفهمند یا بتوانند انجام دهند؟

مثال: تقویت تفکر انتقادی، آشنایی با تاریخ ایران، توانایی حل مسائل ریاضی.

انتخاب و سازماندهی محتوا (Content Selection and Organization):

هدف: انتخاب موضوعات، مفاهیم، حقایق و مهارت‌هایی که برای دستیابی به اهداف تعیین شده ضروری هستند. سپس این محتوا باید به شیوه‌ای منطقی و روان (از ساده به پیچیده، از کلی به جزئی و...) سازماندهی شود.

مثال: انتخاب مباحث مربوط به فیزیک نور در درس علوم، ترتیب آموزش حروف الفبا در کلاس اول. انتخاب و سازماندهی روش‌های یاددهی-یادگیری (Teaching-Learning Strategies): هدف: تعیین بهترین روش‌ها و فعالیت‌هایی که معلم و دانش‌آموزان برای تعامل با محتوا و رسیدن به اهداف استفاده می‌کنند. این شامل روش‌های تدریس، تکنیک‌های کلاسی، استفاده از منابع و رسانه‌ها و فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان است. مثال: تدریس سخنرانی، کار گروهی، پروژه‌های عملی، استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی.

ارزشیابی (Evaluation):

هدف: سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به اهداف آموزشی و همچنین ارزیابی اثربخشی کل برنامه درسی. این شامل روش‌های مختلف سنجش پیشرفت دانش‌آموزان و همچنین بازنگری در طراحی برنامه درسی برای بهبود آن در آینده است. مثال: آزمون‌های کتبی، پروژه‌های عملی، مشاهده رفتار دانش‌آموزان، نظرسنجی از معلمان و دانش‌آموزان.

انواع برنامه‌ریزی درسی

برنامه درسی رسمی/مصوب (Intended Curriculum): آنچه به صورت رسمی در اسناد، کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی تدوین شده است. برنامه درسی اجرا شده (Implemented Curriculum): آنچه که عملاً توسط معلمان در کلاس درس تدریس می‌شود و ممکن است با برنامه درسی رسمی تفاوت‌هایی داشته باشد. برنامه درسی تجربه شده (Experienced Curriculum): آنچه که دانش‌آموزان واقعاً یاد می‌گیرند و تجربه می‌کنند (که ممکن است با آنچه معلم تدریس کرده نیز متفاوت باشد). برنامه درسی پنهان (Hidden Curriculum): ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و پیام‌های غیررسمی که دانش‌آموزان از طریق جو مدرسه، تعاملات کلاسی و روابط با معلمان و همسالان می‌آموزند. برنامه درسی صفر (Null Curriculum): آنچه که به طور عمدانه یا سهوی از برنامه درسی حذف شده است و دانش‌آموزان فرصت یادگیری آن را پیدا نمی‌کنند (امیری و شریفی، ۱۴۰۲).

اهمیت برنامه‌ریزی درسی

ایجاد ساختار و جهت: به نظام آموزشی جهت‌دهی می‌کند و اهداف روشنی را برای معلمان و دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. افزایش کیفیت آموزش: با انتخاب بهترین محتوا و روش‌ها، به بهبود کیفیت یادگیری کمک می‌کند. هماهنگی و استانداردسازی: تضمین می‌کند که دانش‌آموزان در مناطق مختلف، حداقل استانداردهای مشابهی از آموزش را دریافت کنند. پاسخگویی به نیازهای جامعه: برنامه درسی باید با نیازها و انتظارات جامعه، بازار کار و تحولات جهانی هماهنگ باشد. در مجموع، برنامه‌ریزی درسی قلب نظام آموزشی است که تعیین می‌کند نسل‌های آینده چه چیزی را یاد بگیرند و چگونه برای زندگی در آینده آماده شوند (امیری و شریفی، ۱۴۰۲).

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی (Futures Studies / Foresight) مطالعه نظام‌مند و انتقادی درباره آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب است. برخلاف پیش‌بینی‌های ساده که تلاش می‌کنند دقیقاً بگویند چه اتفاقی خواهد افتاد، آینده‌پژوهی بیشتر به درک تغییر و عدم قطعیت در جهان می‌پردازد و هدف آن آماده‌سازی برای آینده و شکل دادن آگاهانه به آن است.

آینده‌پژوهی در تعریف ساده:

آینده‌پژوهی تلاشی است برای درک اینکه آینده چگونه می‌تواند باشد، چرا می‌تواند آنطور باشد و چه کاری می‌توانیم برای رسیدن به آینده‌ای مطلوب یا اجتناب از آینده‌ای نامطلوب انجام دهیم (احمدی، ۱۴۰۲).

ویژگی‌های کلیدی آینده‌پژوهی

نه یک پیش‌گویی: آینده‌پژوهی ادعا نمی‌کند که آینده را با قطعیت پیش‌بینی می‌کند. آینده غیرقابل پیش‌بینی کامل است، زیرا تحت تأثیر عوامل بی‌شمار و پیچیده‌ای است که بسیاری از آن‌ها ناشناخته یا غیرخطی هستند. تمرکز بر چندگانگی آینده‌ها: آینده‌پژوهی بر این اصل استوار است که یک "آینده واحد" وجود ندارد، بلکه چندین آینده محتمل (Probable Futures)، ممکن (Possible Futures) و مطلوب (Preferable Futures) وجود دارد. محتمل: آینده‌ای که با فرض ادامه روندهای فعلی، احتمال وقوع بیشتری دارد. ممکن: آینده‌هایی که ممکن است اتفاق بیفتند، حتی اگر احتمال کمتری داشته باشند (معمولاً شامل "آکان وایلد کارت" یا رویدادهای غیرمنتظره).

مطلوب: آینده‌ای که ما می‌خواهیم به آن برسیم و برای تحقق آن تلاش می‌کنیم. رویکرد نظام‌مند و علمی: آینده‌پژوهی از روش‌ها و ابزارهای متنوعی (مانند تحلیل روندها، سناریونویسی، دلفی، تحلیل تأثیرات متقاطع، طوفان فکری، تحلیل محیطی و...) استفاده می‌کند تا دیدگاهی جامع و عمیق درباره تغییرات به دست آورد. اهمیت تغییر و عدم قطعیت: آینده‌پژوهی به ما کمک می‌کند تا با عدم قطعیت کنار بیاییم و بفهمیم که چگونه تغییرات (اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیکی، زیست‌محیطی و سیاسی) می‌توانند آینده را شکل دهند. هدف‌مدار و عملی: هدف نهایی آینده‌پژوهی، فقط مطالعه آینده نیست، بلکه کمک به تصمیم‌گیری‌های بهتر در زمان حال و توانمندسازی افراد و سازمان‌ها برای شکل‌دهی آگاهانه به آینده مطلوب است. این به معنای اتخاذ سیاست‌ها، استراتژی‌ها و اقداماتی است که به سمت آینده‌ای بهتر هدایت می‌شوند. بین‌رشته‌ای: آینده‌پژوهی از دانش و بینش رشته‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، فناوری، محیط زیست، روانشناسی و فلسفه بهره می‌گیرد (قاسمی، ۱۴۰۱).

اهمیت آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی

- پیش‌بینی نیازهای آینده: آینده‌پژوهی با بررسی روندها و تحولات احتمالی در آینده، به شناسایی مهارت‌ها و دانش‌های مورد نیاز نسل آینده کمک می‌کند. این اطلاعات در طراحی محتوای درسی و تعیین اهداف آموزشی مؤثر است.
- توسعه تفکر انتقادی و خلاق: با توجه به پیچیدگی‌های دنیای آینده، آموزش و پرورش باید به جای انتقال صرف اطلاعات، به توسعه تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان بپردازد. آینده‌پژوهی با ارائه سناریوهای مختلف از آینده، این امکان را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان در محیطی امن به تفکر انتقادی و خلاق بپردازند.
- انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی: آینده‌پژوهی با شناسایی تغییرات احتمالی، به برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند تا برنامه‌هایی انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط آینده تدوین کنند. این انعطاف‌پذیری در مواجهه با تحولات غیرمنتظره بسیار حیاتی است.
- بهبود کیفیت آموزش: با استفاده از آینده‌پژوهی، برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار هماهنگ باشند. این امر به بهبود کیفیت آموزش و افزایش اثربخشی آن منجر می‌شود.
- توسعه مهارت‌های بین‌فردی: آینده‌پژوهی با تأکید بر همکاری و تعامل، به توسعه مهارت‌های بین‌فردی و کار تیمی در دانش‌آموزان کمک می‌کند. این مهارت‌ها برای موفقیت در دنیای کار و زندگی اجتماعی ضروری هستند.
- آمادگی برای چالش‌ها: کمک می‌کند تا برای چالش‌ها و فرصت‌های آینده آماده شویم.
- تصمیم‌گیری آگاهانه: به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری در زمان حال بگیرند.

افزایش نوآوری: با نگاه به آینده، زمینه‌های جدیدی برای نوآوری و خلاقیت فراهم می‌کند. شکل‌دهی به آینده مطلوب: به ما این قدرت را می‌دهد که به جای منفعل بودن در برابر آینده، فعالانه در ساختن آینده‌ای که می‌خواهیم مشارکت کنیم (محمدی و حسینی، ۱۴۰۱).

چالش‌های ادغام آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران

علی‌رغم تأکیدات نظری در اسناد بالادستی، متعدد و ریشه‌دار هستند. این چالش‌ها از ابعاد مختلف ساختاری، فرهنگی، آموزشی و اجرایی نشأت می‌گیرند:

غلبه رویکرد گذشته‌نگر و حال‌نگر:

تمرکز بر محتوا و حافظه‌محوری: نظام آموزشی ایران هنوز به شدت بر انتقال دانش موجود و سنجش توانایی حفظیات دانش‌آموزان متمرکز است. این رویکرد، فرصت‌های لازم برای پرورش مهارت‌های آینده‌نگر مانند تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت را محدود می‌کند.

عدم توجه به مهارت‌های آینده: برنامه‌های درسی کمتر به مهارت‌هایی که برای موفقیت در آینده (مانند سواد دیجیتال، سواد رسانه‌ای، تفکر سیستمی، تاب‌آوری و کار تیمی) ضروری هستند، می‌پردازند.

فقدان چارچوب نظری و عملی منسجم:

جزیره‌ای عمل کردن: آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی به صورت یکپارچه و سیستمی در تمام مراحل (از طراحی تا اجرا و ارزشیابی) لحاظ نشده است. ممکن است در برخی پروژه‌ها یا بخش‌ها به آن توجه شود، اما یک رویکرد جامع وجود ندارد. ابهام در مفاهیم: ممکن است درک مشترکی از "آینده‌پژوهی" و چگونگی کاربرد آن در برنامه‌ریزی درسی در میان سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان وجود نداشته باشد.

مقاومت در برابر تغییر و نوآوری:

ساختار بوروکراتیک: نظام آموزش و پرورش یک ساختار بزرگ و بوروکراتیک است که تغییرات در آن با سرعت پایین و مقاومت زیادی مواجه می‌شود.

عادت به روش‌های سنتی: معلمان، مدیران و حتی والدین به روش‌های سنتی آموزش عادت کرده‌اند و پذیرش رویکردهای جدید که نیازمند تغییر در شیوه تدریس و یادگیری است، دشوار است.

نقص در تربیت و توانمندسازی نیروی انسانی (معلمان و برنامه‌ریزان):

عدم آشنایی معلمان: بسیاری از معلمان با مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای آینده‌پژوهی آشنایی کافی ندارند و آموزش‌های لازم برای تدریس آینده‌نگر را دریافت نکرده‌اند.

کمبود متخصص: تعداد متخصصان برنامه‌ریزی درسی که همزمان در حوزه آینده‌پژوهی نیز تخصص داشته باشند، محدود است.

محدودیت‌های منابع و زیرساخت‌ها:

کمبود بودجه: اجرای برنامه‌های درسی آینده‌نگر نیازمند سرمایه‌گذاری در فناوری، آموزش معلمان و توسعه منابع جدید است که ممکن است با محدودیت‌های بودجه‌ای مواجه باشد.

زیرساخت‌های ناکافی: مدارس ممکن است فاقد زیرساخت‌های لازم (مانند دسترسی به اینترنت پرسرعت، تجهیزات هوشمند، فضاهای یادگیری انعطاف‌پذیر) برای اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر آینده‌پژوهی باشند.

فشار کنکور و نظام ارزشیابی:

تأکید بر آزمون‌های استاندارد: تمرکز شدید بر کنکور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، باعث می‌شود مدارس و معلمان بیشتر بر پوشش حجم بالای محتوا و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای این آزمون‌ها تمرکز کنند تا پرورش مهارت‌های آینده‌نگر.

نظام ارزشیابی سنتی: نظام ارزشیابی فعلی بیشتر بر سنجش دانش حفظی تأکید دارد تا سنجش مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله که از اهداف آینده‌پژوهی هستند.

عدم ارتباط مؤثر با صنعت و جامعه:

برنامه‌های درسی ممکن است به اندازه کافی با نیازهای آتی بازار کار و تحولات اجتماعی و فناورانه هماهنگ نباشند که این امر فاصله بین آموزش و نیازهای واقعی آینده را بیشتر می‌کند.

برای غلبه بر این چالش‌ها، نیاز به یک رویکرد جامع و بلندمدت است که شامل بازنگری در فلسفه آموزش، توانمندسازی نیروی انسانی، تأمین زیرساخت‌ها و تغییر در نظام‌های ارزشیابی و انگیزشی باشد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰).

مزایای گنجانیدن آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی

مزایای بسیار گسترده و عمده‌ترین دلیل برای اهمیت آن در نظام‌های آموزشی مدرن است. این مزایا نه تنها برای دانش‌آموزان بلکه برای معلمان، مدارس و کل جامعه نیز سودمند هستند:

آمادگی برای عدم قطعیت و تغییرات آینده:

افزایش تاب‌آوری: دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا با شوک‌ها، بحران‌ها و تغییرات غیرمنتظره در آینده با انعطاف‌پذیری بیشتری مواجه شوند.

تطبیق‌پذیری بالا: مهارت‌های لازم برای سازگاری با محیط‌های جدید و ناشناخته (فناوری‌های جدید، مشاغل در حال تغییر) را در آن‌ها پرورش می‌دهد.

پرورش مهارت‌های کلیدی قرن ۲۱ (Future Skills):

تفکر انتقادی و تحلیلی: توانایی ارزیابی اطلاعات، تشخیص سوگیری‌ها و رسیدن به قضاوت‌های مستقل را تقویت می‌کند. خلاقیت و نوآوری: دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا به جای پاسخ‌های از پیش تعیین شده، راه‌حل‌های جدید و خارج از چارچوب ارائه دهند.

حل مسئله پیچیده: آن‌ها را برای مواجهه با مشکلات چندوجهی و پیچیده که پاسخ‌های ساده ندارند، آماده می‌کند.

سواد دیجیتال و رسانه‌ای: اهمیت درک و تحلیل اطلاعات در دنیای دیجیتال و رسانه‌ها را به آن‌ها می‌آموزد.

همکاری و ارتباط مؤثر: مهارت‌های کار تیمی و برقراری ارتباط با دیگران (که در محیط‌های کاری آینده ضروری است) را توسعه می‌دهد.

تفکر سیستمی: به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا روابط بین پدیده‌ها را درک کنند و پیامدهای بلندمدت تصمیمات را بسنجند.

افزایش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان:

وقتی دانش‌آموزان احساس کنند آنچه یاد می‌گیرند مستقیماً به زندگی آینده آن‌ها و حل مسائل واقعی مرتبط است، انگیزه بیشتری برای یادگیری پیدا می‌کنند.

آینده‌پژوهی رویکردهای فعال و مشارکتی را تشویق می‌کند که جذابیت یادگیری را برای دانش‌آموزان افزایش می‌دهد. کاهش فاصله بین آموزش و نیازهای جامعه و صنعت: برنامه درسی به جای اینکه صرفاً منعکس‌کننده گذشته باشد، پیش‌بینی‌کننده نیازهای آتی بازار کار و جامعه می‌شود. این امر فارغ‌التحصیلانی با مهارت‌های مرتبط‌تر و قابل‌استخدامتر پرورش می‌دهد.

ارتقاء نقش و کیفیت تدریس معلم:

معلمان از صرفاً انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر، راهنما و مربی برای مهارت‌های تفکر و تحقیق تبدیل می‌شوند. این نقش پویا و چالش‌برانگیز، رضایت شغلی معلم را افزایش می‌دهد. معلمان تشویق می‌شوند تا خود نیز مهارت‌های آینده‌پژوهی را کسب کرده و دائماً روش‌های تدریس خود را به‌روز کنند.

توسعه شهروندی مسئول و جهانی:

دانش‌آموزان را نسبت به چالش‌های جهانی (مانند پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، صلح) آگاه‌تر می‌کند و آن‌ها را برای مشارکت فعال در حل این مسائل در سطح ملی و بین‌المللی توانمند می‌سازد. پرورش حس مسئولیت‌پذیری در قبال آینده و نقش خود در شکل‌دهی به آن.

انعطاف‌پذیری نظام آموزشی:

با ادغام آینده‌پژوهی، سیستم آموزشی قادر خواهد بود سریع‌تر و مؤثرتر به تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فناورانه پاسخ دهد و از عقب‌ماندگی جلوگیری کند.

تشویق به یادگیری مادام‌العمر:

آینده‌پژوهی این ایده را تقویت می‌کند که یادگیری یک فرآیند مادام‌العمر است، زیرا جهان همیشه در حال تغییر خواهد بود و نیاز به به‌روزرسانی دانش و مهارت‌ها همیشه وجود دارد.

در مجموع، آینده‌پژوهی برنامه درسی را از حالتی منفعل و گذشته‌نگر به حالتی فعال، پیش‌فعال و آینده‌ساز تبدیل می‌کند و نسلی را پرورش می‌دهد که نه تنها آماده مواجهه با آینده است، بلکه توانایی ساختن آینده‌ای مطلوب را نیز داراست (کریمی و ناصری، ۱۴۰۱).

مزایای گنجاندن آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی بسیار مهم هستند، اما همانند هر رویکرد جدید و تحول‌گرایانه‌ای، معایب و چالش‌هایی نیز در مسیر پیاده‌سازی آن وجود دارد که باید به آن‌ها توجه کرد: معایب گنجاندن آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی پیچیدگی و ابهام در اجرا:

عدم قطعیت در پیش‌بینی: آینده ذاتاً نامشخص است. پرداختن به آینده‌هایی که ممکن است هرگز محقق نشوند، می‌تواند احساس ابهام و بی‌فایده بودن را در برخی افراد ایجاد کند.

دشواری بودن عملیاتی‌سازی: تبدیل مفاهیم نظری آینده‌پژوهی به برنامه‌های درسی عملی، قابل تدریس و قابل ارزیابی برای معلمان، چالش‌برانگیز است.

نیاز به منابع و زیرساخت‌های گسترده:

هزینه بالا: پیاده‌سازی آینده‌پژوهی مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه در آموزش معلمان، توسعه مواد آموزشی جدید و به‌روزرسانی فناوری‌ها و زیرساخت‌های مدارس است که ممکن است برای سیستم آموزشی ایران سنگین باشد. کمبود ابزار و فناوری: برای اجرای کارگاه‌های آینده‌پژوهی، دسترسی به فناوری‌های نوین و داده‌های روزآمد ضروری است که ممکن است در همه مدارس فراهم نباشد.

فشار بر معلمان و نیاز به آموزش‌های تخصصی:

افزایش بار کاری: معلمان باید علاوه بر تسلط بر محتوای درسی، مهارت‌های جدید آینده‌پژوهی را نیز بیاموزند و رویکرد تدریس خود را تغییر دهند که این امر می‌تواند بار کاری و استرس آن‌ها را افزایش دهد. مقاومت در برابر تغییر: معلمان ممکن است به دلیل عادت به روش‌های سنتی، عدم آشنایی با رویکردهای جدید یا نبود انگیزه کافی، در برابر تغییر مقاومت کنند.

چالش‌های ارزشیابی:

سنجش مهارت‌های نرم: ارزیابی مهارت‌هایی مانند خلاقیت، تفکر انتقادی، تاب‌آوری و تفکر سیستمی بسیار دشوارتر از سنجش دانش حفظی است. این موضوع نیازمند بازنگری اساسی در نظام ارزشیابی است. تأثیر کنکور و آزمون‌های استاندارد: نظام آموزشی ایران به شدت تحت تأثیر کنکور و آزمون‌های استاندارد است که عمدتاً دانش حفظی را می‌سنجند. این موضوع می‌تواند انگیزه مدارس و معلمان را برای پرداختن به آینده‌پژوهی کاهش دهد، زیرا ممکن است تصور شود این کار در موفقیت دانش‌آموزان در آزمون‌ها تأثیر مستقیم ندارد.

مقاومت نهادی و بروکراسی:

ساختار سنتی نظام آموزش و پرورش: تغییر یک سیستم بزرگ و متمرکز مانند آموزش و پرورش ایران، با بروکراسی‌ها و فرآیندهای طولانی، بسیار کند و دشوار است. عدم هماهنگی بین نهادها: برای موفقیت آینده‌پژوهی، نیاز به هماهنگی بین وزارتخانه‌ها، سازمان‌های پژوهشی و نهادهای دانشگاهی است که همیشه به راحتی محقق نمی‌شود.

ریسک گمراهی یا ناامیدی:

سناریوهای منفی: پرداختن به آینده‌های نامطلوب (مثلاً بحران‌های زیست‌محیطی یا اجتماعی) اگر به درستی مدیریت نشود، می‌تواند باعث ترس، اضطراب یا ناامیدی در دانش‌آموزان شود. ساده‌سازی بیش از حد: ممکن است آینده‌پژوهی به یک سری کلیشه‌ها یا پیش‌بینی‌های ساده‌انگارانه تقلیل یابد و عمق واقعی آن از دست برود.

فشار از سمت والدین و جامعه:

والدین ممکن است به دلیل نگرانی از تأثیر این رویکرد بر نمرات فرزندان در آزمون‌های سنتی یا عدم درک کافی از مزایای بلندمدت آن، در برابر تغییرات مقاومت کنند. در حالی که آینده‌پژوهی پتانسیل عظیمی برای بهبود برنامه‌های درسی دارد، پیاده‌سازی موفق آن نیازمند غلبه بر موانع ساختاری، فرهنگی، مالی و آموزشی است که باید با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت تحول صورت گیرد (اکبری، ۱۳۹۹).

نقش آینده‌پژوهی در برنامه درسی ایران

با توجه به چالش‌ها و ضرورت‌های دنیای امروز و آینده، بسیار حیاتی و چندوجهی است. این نقش را می‌توان در ابعاد مختلفی بررسی کرد:

آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آینده ناشناخته:

توسعه مهارت‌های آینده (Future Skills): مهم‌ترین نقش آینده‌پژوهی، تغییر تمرکز از صرفاً انتقال دانش گذشته به پرورش مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان برای مواجهه با مشاغل، فناوری‌ها و چالش‌های آینده به آن‌ها نیاز دارند. این مهارت‌ها شامل تفکر انتقادی، حل مسئله، خلاقیت، نوآوری، سواد دیجیتال، سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای، همکاری، ارتباط مؤثر، تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و تفکر سیستمی است.

پرورش تفکر آینده‌نگر (Anticipatory Thinking): آینده‌پژوهی به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه روندهای حال را تحلیل کنند، سناریوهای مختلف آینده را تصور کنند و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنند، به جای اینکه صرفاً منفعلانه منتظر وقوع حوادث باشند.

انعطاف‌پذیری و پویایی برنامه درسی:

به‌روزرسانی مستمر: آینده‌پژوهی به برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند تا به طور مستمر و پیش‌فعالانه (نه واکنشی) محتوا و روش‌های آموزشی را با تحولات سریع علم، فناوری، جامعه و اقتصاد به‌روزرسانی کنند. این امر از کهنگی و ناکارآمدی برنامه درسی جلوگیری می‌کند.

پیش‌بینی نیازهای آموزشی: با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی، می‌توان نیازهای آتی جامعه و بازار کار را پیش‌بینی کرد و مهارت‌ها و دانش لازم را در برنامه درسی گنجاند.

تربیت شهروندان مسئول و توانمند:

تربیت شهروند جهانی: آینده‌پژوهی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا درک بهتری از مسائل جهانی (مانند تغییرات اقلیمی، مهاجرت، توسعه پایدار) پیدا کنند و خود را برای ایفای نقش مؤثر در جامعه جهانی آماده کنند.

پرورش توانایی حل مسائل پیچیده: با تمرکز بر چالش‌های آینده، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا برای مسائل پیچیده و چندوجهی، راه‌حل‌های خلاقانه و پایدار ارائه دهند.

هدایت استراتژیک نظام آموزشی:

راهنمایی سیاست‌گذاری: نتایج آینده‌پژوهی می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزش و پرورش کمک کند تا تصمیمات استراتژیک و بلندمدت در مورد مسیر کلی نظام آموزشی، تخصیص منابع و توسعه زیرساخت‌ها بگیرند.

هماهنگی با سند تحول بنیادین: آینده‌پژوهی به تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که بر تربیت نسلی آماده برای آینده تأکید دارد، کمک شایانی می‌کند.

تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده به تسهیل‌گر:

آینده‌پژوهی به معلمان کمک می‌کند تا نقش خود را از صرفاً انتقال‌دهنده دانش به راهنما، تسهیل‌گر و مربی تغییر دهند. معلم آینده‌نگر، دانش‌آموز را در مسیر کشف و یادگیری مهارت‌های لازم برای آینده همراهی می‌کند و فضایی برای پرسشگری و خلاقیت فراهم می‌آورد.

نقش آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران این است که از یک نظام آموزشی گذشته‌نگر و محتوامحور، به سمت یک نظام آموزشی آینده‌نگر، مهارت‌محور و انعطاف‌پذیر حرکت کند. هدف نهایی، تربیت نسلی است که نه تنها برای آینده آماده است، بلکه قادر به ساختن آینده‌ای مطلوب برای خود و جامعه‌اش باشد (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰).

جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه درسی ایران

آن را می‌توان از دو منظر نظری (آنچه باید باشد یا در اسناد هست) و عملی (آنچه هست) بررسی کرد: جایگاه نظری (اسناد بالادستی و آرمان‌ها):

از منظر نظری و در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران، آینده‌پژوهی از جایگاه مهمی برخوردار است. مهم‌ترین سند در این زمینه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. این سند به صراحت به ضرورت: تربیت دانش‌آموزانی با توانایی تفکر انتقادی، خلاقیت و حل مسئله. آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مواجهه با تغییرات آینده و چالش‌های دنیای معاصر. پرورش مهارت‌هایی که برای زندگی در جامعه آینده و بازار کار متغیر ضروری است. تحقق حیات طیبه و آمادگی برای جامعه‌ای پیشرفته و متعالی. اشاره می‌کند. این اهداف بدون نگاه آینده‌نگرانه و ادغام اصول آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی قابل تحقق نیستند؛ بنابراین، در سطح آرمان‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان، جایگاه آینده‌پژوهی محوری و استراتژیک تعریف شده است.

جایگاه عملی (وضعیت موجود و چالش‌ها):

با این حال، در عمل، فاصله قابل توجهی بین جایگاه نظری و کاربرد عملی آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران وجود دارد. جایگاه عملی آینده‌پژوهی را می‌توان در وضعیت زیر خلاصه کرد:

اغلب در حاشیه و نه در متن:

برنامه‌ریزی درسی کنونی ایران عمدتاً بر رویکردهای گذشته‌نگر و حال‌نگر (تمرکز بر محتوای موجود، آماده‌سازی برای آزمون‌های استاندارد و کنکور) استوار است. آینده‌پژوهی اگر هم مطرح شود، بیشتر به صورت پروژه‌های خاص، مقالات علمی یا بحث‌های نظری باقی می‌ماند و کمتر به صورت یک چارچوب عملی و یکپارچه در کل سیستم برنامه‌ریزی درسی (از تدوین اهداف تا محتوا، روش تدریس و ارزشیابی) جاری است.

نبود چارچوب عملیاتی منسجم:

هنوز یک مدل یا چارچوب عملیاتی مشخص و جامع برای ادغام آینده‌پژوهی در تمام ابعاد برنامه‌ریزی درسی (برای رشته‌ها، مقاطع و دروس مختلف) تدوین و اجرا نشده است. این موضوع به اجرای جزیره‌ای و پراکنده منجر می‌شود.

چالش‌های انسانی و آموزشی:

عدم آشنایی کافی معلمان: بخش عمده‌ای از معلمان که مجریان اصلی برنامه درسی هستند، آموزش‌های لازم در زمینه آینده‌پژوهی و روش‌های تدریس متناسب با آن را دریافت نکرده‌اند.

مقاومت در برابر تغییر: تغییر پارادایم از آموزش سنتی به آینده‌نگر، با مقاومت‌هایی در سطوح مختلف (سیاست‌گذاران، مدیران، معلمان و حتی والدین) روبروست.

تأثیر نظام ارزشیابی و کنکور:

فشار بر آموزش‌های حفظی: تمرکز شدید بر آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها و سنجش دانش حفظی، انگیزه را برای پرداختن به مهارت‌های آینده‌نگر (که سنجش آن‌ها دشوارتر است) کاهش می‌دهد. برای ارتقاء جایگاه عملی آینده‌پژوهی، نیاز به یک عزم ملی، برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری مناسب و تغییر در فرهنگ آموزشی کشور است (محمدی و حسینی، ۱۴۰۱).

روش تحقیق

موضوع این مقاله که درباره بررسی جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران است و روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی مروری از نوع روایتی است. مروری روایتی برای موضوعات کامل و جامع به کار می‌رود. این نوع مقاله مطالعات اولیه و اصیل یک حیطه با موضوع را خلاصه می‌کند. از نقاط قوت این مقالات در برداشتن تکرار و تفاوت‌ها در عناوین پژوهش‌های آکادمیک و ایجاد فرصت برای ارائه دانش و تجربیات فرد مرورگر (نویسنده مقاله) است. در مرور روایتی، به غیر از انواع دیگر مقالات مروری وقتی یک فرضیه واحد وجود ندارد یا با روش‌های نظام مند قابل جمع بندی نیست، فرد مرورگر با استفاده از تجربیات خود، مدل‌ها و فرضیه‌های موجود یک نتیجه‌گیری کلی و نقد در حیطه مورد توجه نیز ارائه می‌کند. نتایج این مقاله هم بر خلاف نتایج عمدتاً کمی مرور نظام مند، معمولاً به صورت کیفی است (سهرابی، ۱۳۹۲). طبق تعریف این روش، ما در جهت بررسی جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی درسی ایران از جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بهره بردیم و در نوشتن مطالب از کتب‌ها، مقالات و تحقیقات انجام گرفته استفاده کردیم و با توجه به مطالب مطالعه شده مقاله مزبور نگارش یافته است.

یافته‌های تحقیق

مطالعات نشان می‌دهند آینده‌پژوهی رویکردی است که در برنامه‌ریزی درسی تعلیم و تربیت نوین لازم و ضروری است و باید نگرش معلمان، مدیران و حتی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی و والدین نسبت به تحولات در آینده عوض شود؛ برنامه درسی و مطالب را طوری تدوین نمایند که دانش‌آموزان با تفکر خلاق به بار آیند و پیش‌بینی‌های لازم را برای تغییر در آینده مهیا نمایند.

پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین دو متغیر مهارت‌های آینده‌پژوهی و کیفیت برنامه درسی رابطه وجود دارد؛ مؤلفه‌های آینده‌پژوهی توان پیش‌بینی معنادار برای اهداف آموزشی، محتوا و روش تدریس برنامه درسی را دارند؛ مؤلفه‌های درک مفهومی و روحیه آینده‌نگری آینده‌پژوهی توان پیش‌بینی معنادار مؤلفه امکانات آموزشی کیفیت برنامه درسی را دارند. نتایج مطالعه‌ای با عنوان توسعه برنامه درسی آینده از طریق آینده‌پژوهی نشان داد که به دست آوردن بهترین گزینه‌ها در آینده چیزی نیست که به طور اتفاقی رخ دهد، بلکه باید از طریق برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر پژوهش به آنها دست یافت. بنابراین، برنامه‌های درسی آینده نیز باید براساس پژوهش عمیق در مورد احتمالات آینده و تأثیرات آنها تدوین شوند. سیاست‌گذاران برنامه درسی مؤسسه‌ها یا کشور باید نه تنها برای پنجاه سال آینده، بلکه برای فراتر از آن برنامه‌ریزی کنند. پژوهش درباره آینده، داده‌های ضروری در شکل‌گیری نسل فعلی و نسل آینده را فراهم می‌کند. پژوهش‌هایی که از برنامه درسی آینده جهت گرفته‌اند، باید براساس یافته‌های پژوهش درباره آینده، یعنی براساس پژوهش در مورد گرایش‌ها، رویدادها و تأثیر مربوط به آنها بر یادگیرندگان هدف، توسعه یابند.

نتایج تحقیقات بیانگر آن است که سبک های یادگیری و خودکارآمدی پژوهشی میتواند پیامدهای یادگیری دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، شناسایی متغیرهای پیدا و پنهان در کلاس درس میتواند به ارتقاء سطح دانش یادگیرندگان کمک کرده و آنها را به خلق دانش و توانایی پیش بینی آینده هدایت کند.

مرادی و همکارانش در مقاله ای تحت عنوان «ضرورت آینده پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش نتیجه گرفته اند از آنجا که آموزش از طریق برنامه درسی معنا و مفهوم می یابد، می بایست با بررسی و بازنگری مداوم تلاش شود تا برنامه درسی با غنای کامل و عملی خود بتواند به تمام نیازهای کنونی و دگرگونی پرشتاب آینده پاسخ دهد و آینده پژوهی در برنامه درسی با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک ضرورت است.

کاظمی نجف آبادی در مقاله ای تحت عنوان «آینده پژوهی و تغییر در برنامه درسی، نتیجه گیرد که رابطه معناداری بین آینده پژوهی و تغییر در برنامه درسی وجود دارد و افزایش آگاهی معلمان و مدیران در برنامه درسی میتواند در نوآوری برنامه ها در آینده مؤثر افتد و پیشنهاد می کند معلمان با ثبت تجربه های به دست آمده در خصوص تغییر برنامه درسی و تأثیر آن بر دانش آموزان در آینده نزدیک برای بهبود وضعیت آموزشی برنامه درسی کمک گیرند.

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر به منظور جایگاه آینده پژوهی در برنامه ریزی درسی ایران صورت گرفته است. محیط پویا و پیچیده در دنیای امروز شرایط متغیر و متحولی را برای سازمان های مختلف به ویژه سازمان های آموزشی پدید آورده است؛ به طوری که سازمان ها برای حفظ، بقا و ایجاد مزیت رقابتی ناچار هستند که پیوسته قابلیت ها، توانمندی ها و شایستگی های خود را توسعه دهند. آموزش و پرورش ایران برای اصلاح ساختار خود با چالش هایی هم چون به روز نبودن روش تدریس ها، کمبود اعتبارات و فضاهای آموزشی و .. مواجه می باشد؛ بنابراین آینده نگری و آینده شناسی میتواند در برنامه ریزیهای مختلف آموزش و پرورش به ویژه برنامه درسی برای مقابله با تهدیدات و نگرانیهای تربیتی آینده پیشگیرانه عمل نماید مشروط بر آن که مسئولان با هوشمندی علمی و عاقلانه و در نظر گرفتن تمامی جوانب و نیازها دست بکار شوند و در رفع مسایل و پژوهشگرانی حقایق مشکلات گام موثر بردارند. در ایران، استفاده از آینده پژوهی در برنامه ریزی درسی می تواند به تدوین برنامه هایی منجر شود که دانش آموزان را برای مشاغل نوظهور، تغییرات فناوری و پیچیدگی های اجتماعی آماده کند. در نهایت، آینده پژوهی می تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک، نظام آموزشی ایران را به سمت انعطاف پذیری، نوآوری و پاسخ گویی به نیازهای آینده هدایت کند. این رویکرد با ایجاد پیوند میان آموزش و نیازهای جامعه آینده، به تربیت نسلی کمک می کند که نه تنها با چالش های پیچیده جهان معاصر مقابله کند، بلکه به عنوان عاملی فعال در ساخت آینده ای بهتر نقش آفرینی نماید.

منابع

۱. امیری، سارا، و شریفی، پرستو. (۱۴۰۲). بررسی الزامات فلسفی تدوین برنامه درسی با رویکرد آینده نگاری در آموزش و پرورش ایران. مجله پژوهش های برنامه ریزی درسی، ۲۰(۷۹)، ۵۵-۷۰.
۲. احمدی، سارا. (۱۴۰۲). جایگاه آینده پژوهی در برنامه ریزی درسی آموزش و پرورش ایران. فصلنامه برنامه ریزی درسی، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۰.
۳. اکبری، فرهاد. (۱۳۹۹). آینده پژوهی و تربیت معلم: الزامات و راهکارها. انتشار شده در مقالات اولین همایش ملی آینده پژوهی در آموزش (ص. ۳۰۱-۳۱۵). تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۴. باقری، آرش و مرادی پردنجانی، حجت الله، (۱۳۹۵). مطالعه ای در مهارت های آینده پژوهی و کیفیت برنامه درسی: رهیافت پژوهشی، کنفرانس بین المللی تحقیق و توسعه در علوم انسانی، مدیریت و اقتصاد
۵. بنی سی، پری ناز، (۱۳۸۷). تغییر، نوآوری، اصلاحات و آینده پژوهی در برنامه ریزی درسی، ایران: نشر امیر.

۶. تافلر، آلون، (۱۳۷۷). آموختن برای فردا، ترجمه بابک پاکزاد، تهران: نشر بینا.
۷. تابع بردبار، فریبا، شفیعی سروسناتی، مریم و موسوی پور، سید روح الله، (۱۳۹۷). رابطه سبک‌های یادگیری و قابلیت آینده‌پژوهی با نقش واسطه‌ای خودکارآمدی پژوهشی، فصلنامه پژوهش در نظامهای آموزشی، دوره ۲۱، شماره ۱۹.
۸. تقوایی، محمد و نجفی، محمدباقر. (۱۳۹۹). کاربرد آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی آموزشی: چالش‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ۱۹، شماره ۲، صص ۲۳-۳۸.
۹. حسینی، علی، جعفری، رضا و مرادی، زهرا. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از منظر شاخص‌های آینده‌پژوهانه. فصلنامه پژوهش‌های نوین آموزشی، ۱۶(۲)، ۲۰۵-۲۲۰.
۱۰. خلیفه، رضا و خلیفه، مصطفی، (۱۳۹۷). رویکرد آینده‌پژوهی و نقش و اهداف آن در برنامه درسی تعلیم و تربیت نوین، فصلنامه آموزش پژوهی، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۳۱-۴۳.
۱۱. دمیری، زین‌العابدین. (۱۳۹۸). آینده‌نگری در برنامه درسی: رویکردی نوین در آموزش و پرورش ایران. مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در برنامه‌ریزی درسی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. رضایی، آرزو. (۱۴۰۰). چالش‌های ارزشیابی برنامه‌های درسی مبتنی بر آینده‌پژوهی در نظام آموزشی ایران. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۱۲(۴)، ۱۴۰-۱۵۵.
۱۳. سهرابی، محمد رضا، (۱۳۹۲). اصول نگارش مقالات مروری، مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دوره ۱۸، شماره ۲، بهار و تابستان، صفحات ۵۲-۵۶.
۱۴. قاسمی، لیلا. (۱۴۰۱). نقش معلمان در تحقق آموزش آینده‌محور: مطالعه‌ای کیفی در مدارس شهر تهران. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۹(۱)، ۱-۱۸.
۱۵. کریمی، سارا و ناصری، محمد. (۱۴۰۱). بررسی میزان انطباق برنامه درسی ملی با مؤلفه‌های آینده‌نگاری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه تحقیقات در برنامه‌ریزی درسی، ۱۹(۶۹)، ۱۰۱-۱۱۸.
۱۶. کرمی، مرتضی، نوری، علی و رضایی، پرستو. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کتب درسی ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های آینده‌پژوهی. مجله تحقیقات برنامه‌ریزی درسی، ۸(۳)، ۷۰-۸۵.
۱۷. کاظمی نجف آبادی، عفت، (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی و تغییر در برنامه درسی، همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران، دانشگاه بیرجند.
۱۸. محمدی، حسین، و حسینی، زهرا. (۱۴۰۱). چالش‌ها و فرصت‌های آینده‌نگاری در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش‌های نوین آموزشی، ۱۵(۴)، ۱۱۲-۱۲۸.
۱۹. مرادی برزل آبادی، رقیه و عظیم اکبر رستم آبادی، (۱۳۹۲). ضرورت آینده‌پژوهی در تغییر برنامه درسی آموزش و پرورش، همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران و انجمن برنامه درسی ایران، دانشگاه بیرجند.

1. Cottařava D, Ascione GS, Corazza L, Dhir A. (2022). Sustainable development goals research in higher education institutions: An interdisciplinarity assessment through an entropy-based indicator. Journal of Business Research. 151: 138-155.
2. Meier V, Schiopu I. (2020). Enrollment expansion and quality differentiation across higher education systems. Economic Modelling. 90: 43-53.
3. Siraj, S., and Abdullah, M.R.T.L. (2011). Development of future curriculum via futures studies. US-China Education Review B 2, 226-236.